

اقیانوس‌شناسی / سال چهارم / شماره ۱۶ / زمستان ۱۳۹۲ / ۱۶-۱۲۳-۱۰۹

محدوده جغرافیایی رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در مناطق دریایی بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها

سید ضیاءالدین مدنی

استادیار، عضو هیئت علمی گروه حقوق و مطالعات راهبردی، پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی، استان تهران، تهران،
پست الکترونیکی: z.madani@inio.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۵

* نویسنده مسوول

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۲۴

© نشریه علمی - پژوهشی اقیانوس‌شناسی ۱۳۹۲، تمامی حقوق این اثر متعلق به نشریه اقیانوس‌شناسی است.

چکیده

این نوشتار به بررسی و موشکافی شمول جغرافیایی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و به‌طور خاص، شمول و گستره جغرافیایی رژیم حقوقی ناظر بر تحقیقات علمی دریایی در این کنوانسیون اختصاص دارد. بر این اساس، حوزه‌های جغرافیایی تحت شمول (کنوانسیون مزبور و به تبع آن) رژیم ناظر بر تحقیقات علمی دریایی، به تفکیک مناطق مختلف دریایی از خط مبدأ را تشریح خواهیم نمود. در این راستا، با بیان مقدمه‌ای از شمول جغرافیایی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، در یک چارچوب مبتنی بر تقسیم‌بندی جغرافیایی، شمول رژیم حقوقی حاکم بر تحقیقات علمی دریایی را به تفکیک، در آب‌های داخلی، دریای سرزمینی، منطقه مجاور، منطقه انحصاری اقتصادی، فلات قاره، دریای آزاد و منطقه مورد بررسی قرار خواهیم داد. منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره به دلیل شرایط ویژه‌شان و عمق مناسب فلات قاره جذاب‌ترین مکان‌ها برای محققان علوم دریایی به‌شمار می‌روند و از همین رو، رژیم حقوقی انجام فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی در آن‌ها نیز نسبت به سایر مناطق دریایی از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. در ادامه، به بیان شرایطی می‌پردازیم که دولت (یا نهاد صلاحیت‌دار) تحقیق‌کننده برای انجام فعالیت‌های تحقیقاتی، بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها باید در قبال دولت ساحلی رعایت کند.

کلمات کلیدی: حقوق بین‌الملل، حقوق دریاها، علوم دریایی، تحقیقات علمی دریایی، مناطق دریایی، معاهدات بین‌المللی دریایی.

۱. مقدمه

کنوانسیون بر نواحی سطح کره زمین که دریا آن را پوشانده است قابلیت اجرا دارد. اگرچه مقررات گوناگونی وجود دارند که دلالت بر آن دارند که کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها این امکان را دارد که حیطه‌ای بس وسیع‌تر را تحت پوشش قرار دهد؛ نمونه‌هایی مانند آلوده‌سازی از طریق منابع مستقر در خشکی، مناطق پوشیده از یخ، و منابع موجود در بستر و زیربستر دریا از آن‌جمله‌اند.

بر طبق مقدمه کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، این سند بین‌المللی بر آن است تا تمامی مسایل مربوط به حقوق دریاها را از طریق ایجاد یک نظم حقوقی برای دریاها و اقیانوس‌ها حل و فصل نماید. از عنوان کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها درمی‌یابیم که این

فرض بر این است که مقدمه، دربردارنده هدف و موضوع کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها است. ریاست کنفرانس سوم حقوق دریاها، مقدمه‌ی این کنوانسیون را «تجلی چارچوب و محتوای سیاسی، تاریخی، و در صورت لزوم ایدئولوژیکی این سند» قلمداد می‌کند و تأکید می‌کند که دقت خاصی در تدوین آن صورت گرفته است که تأمین‌کننده مقررۀ مندرج در ماده ۳۱ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات باشد^۱ که به روشنی مقدمه و پیوست‌های یک سند را، ابزاری برای استفاده در تفسیر آن سند به‌شمار می‌آورد. البته، مقدمه‌ی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها اشاراتی هم به اقیانوس‌ها دارد. از همین‌رو، پاراگراف چهارم آن اشاره به تحقیق، حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی دارد. اما اصطلاح «محیط زیست دریایی» که به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین اصطلاح در توصیف و تعریف معنای فضای دریا یا اقیانوس است، تعریف نشده است. پاراگراف هشتم مقدمه به‌نظر می‌رسد حاکی از درک تدوین‌کنندگان کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها از این واقعیت است که پاره‌ای از موضوعات «همچنان تحت حکومت قواعد و اصول حقوق بین‌الملل عام» باقی خواهند ماند. این امر بیان‌گر آن است که آن دسته از موضوعات، خارج از شمول کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها قرار می‌گیرند اما با این حال، از برخی جنبه‌ها به اقیانوس‌ها مربوط اند. افزون بر این، مقدمه‌ی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها تنها اشاره به هدف این کنوانسیون به طور کلی دارد و به‌نظر می‌رسد بتوان آن را تعریفی از شمول اجرایی آن قلمداد نمود. دلیل طرح این ادعا آن است که در مقدمه‌ی این کنوانسیون، حل و فصل تمامی موضوعات مربوط به حقوق دریاها، در زمره‌ی اهداف این کنوانسیون برشمرده شده است. این امر نشان‌گر آن است که حیطه و چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، نشأت‌گیرنده از موضوعاتی است که با این سند بین‌المللی ارتباط پیدا می‌کنند.

فرض بر این است که مقدمه، دربردارنده هدف و موضوع کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها است. ریاست کنفرانس سوم حقوق دریاها، مقدمه‌ی این کنوانسیون را «تجلی چارچوب و محتوای سیاسی، تاریخی، و در صورت لزوم ایدئولوژیکی این سند» قلمداد می‌کند و تأکید می‌کند که دقت خاصی در تدوین آن صورت گرفته است که تأمین‌کننده مقررۀ مندرج در ماده ۳۱ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات باشد^۱ که به روشنی مقدمه و پیوست‌های یک سند را، ابزاری برای استفاده در تفسیر آن سند به‌شمار می‌آورد. البته، مقدمه‌ی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها اشاراتی هم به اقیانوس‌ها دارد. از همین‌رو، پاراگراف چهارم آن اشاره به تحقیق، حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی دارد. اما اصطلاح «محیط زیست دریایی» که به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین اصطلاح در توصیف و تعریف معنای فضای دریا یا اقیانوس است، تعریف نشده است. پاراگراف هشتم مقدمه به‌نظر می‌رسد حاکی از درک تدوین‌کنندگان کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها از این واقعیت است که پاره‌ای از موضوعات «همچنان تحت حکومت قواعد و اصول حقوق بین‌الملل عام» باقی خواهند ماند. این امر بیان‌گر آن است که آن دسته از موضوعات، خارج از شمول کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها قرار می‌گیرند اما با این حال، از برخی جنبه‌ها به اقیانوس‌ها مربوط اند. افزون بر این، مقدمه‌ی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها تنها اشاره به هدف این کنوانسیون به طور کلی دارد و به‌نظر می‌رسد بتوان آن را تعریفی از شمول اجرایی آن قلمداد نمود. دلیل طرح این ادعا آن است که در مقدمه‌ی این کنوانسیون، حل و فصل تمامی موضوعات مربوط به حقوق دریاها، در زمره‌ی اهداف این کنوانسیون برشمرده شده است. این امر نشان‌گر آن است که حیطه و چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، نشأت‌گیرنده از موضوعاتی است که با این سند بین‌المللی ارتباط پیدا می‌کنند.

² M. H. Nordquist, editor, United Nations Convention on the Law of the Sea 1982: A Commentary, Vol. II, Articles 1 to 132, Annexes I and II, and Final Act, Annex II, Center of Oceans Law and Policy, Dordrecht, Martinus Nijhoff Publishers, 2nd edition, 2002, 30-36 pp.

^۳ بنگرید به تفسیر بند ۴ ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در منبع پیشین، همان صفحات.

^۴ بنگرید به تفسیر ماده ۱۴۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در جلد سوم از منبع پیشین به این مشخصات:

- Articles 133 to 191, Annexes III and IV, and Final Act, Annex I, Resolution II;

همچنین به تفسیر ماده ۲۱۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در جلد چهارم از منبع پیشین به مشخصات ذیل:

- M. H. Nordquist, SH. Rosenne and A. Yankov, editors, UNCLOS 1982: A Commentary, Vol. IV, Articles 192 to 278, and Final Act, Annex VI, 2002, 176-206 pp.

^۵ بنگرید به تفسیر ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در جلد دوم، منبع پیشین

^۶ بنگرید به تفسیر ماده ۱۹۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در جلد چهارم منبع پیشین، صفحات ۳۶ به بعد.

^۷ از آن میان، بنگرید به مواد ۷۶ و ۷۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها.

فرض بر این است که مقدمه، دربردارنده هدف و موضوع کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها است. ریاست کنفرانس سوم حقوق دریاها، مقدمه‌ی این کنوانسیون را «تجلی چارچوب و محتوای سیاسی، تاریخی، و در صورت لزوم ایدئولوژیکی این سند» قلمداد می‌کند و تأکید می‌کند که دقت خاصی در تدوین آن صورت گرفته است که تأمین‌کننده مقررۀ مندرج در ماده ۳۱ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات باشد^۱ که به روشنی مقدمه و پیوست‌های یک سند را، ابزاری برای استفاده در تفسیر آن سند به‌شمار می‌آورد. البته، مقدمه‌ی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها اشاراتی هم به اقیانوس‌ها دارد. از همین‌رو، پاراگراف چهارم آن اشاره به تحقیق، حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی دارد. اما اصطلاح «محیط زیست دریایی» که به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین اصطلاح در توصیف و تعریف معنای فضای دریا یا اقیانوس است، تعریف نشده است. پاراگراف هشتم مقدمه به‌نظر می‌رسد حاکی از درک تدوین‌کنندگان کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها از این واقعیت است که پاره‌ای از موضوعات «همچنان تحت حکومت قواعد و اصول حقوق بین‌الملل عام» باقی خواهند ماند. این امر بیان‌گر آن است که آن دسته از موضوعات، خارج از شمول کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها قرار می‌گیرند اما با این حال، از برخی جنبه‌ها به اقیانوس‌ها مربوط اند. افزون بر این، مقدمه‌ی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها تنها اشاره به هدف این کنوانسیون به طور کلی دارد و به‌نظر می‌رسد بتوان آن را تعریفی از شمول اجرایی آن قلمداد نمود. دلیل طرح این ادعا آن است که در مقدمه‌ی این کنوانسیون، حل و فصل تمامی موضوعات مربوط به حقوق دریاها، در زمره‌ی اهداف این کنوانسیون برشمرده شده است. این امر نشان‌گر آن است که حیطه و چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، نشأت‌گیرنده از موضوعاتی است که با این سند بین‌المللی ارتباط پیدا می‌کنند.

ماده‌ی یک کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها پیرامون کاربرد اصطلاحات و شمول کنوانسیون، هیچ اشاره‌ای به چارچوب اجرایی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نمی‌کند. واژه‌ی «شمول» در چارچوب ماده‌ی یک، هیچ اشاره‌ای به علت مادی دامنه‌ی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها ندارد و بلکه اشاره به «شمول از

^۱ بنگرید به تفسیر ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین حقوق معاهدات در منبع زیر:

- Mark E. Villiger, Commentary on the 1969 Vienna Convention on the Law of Treaties, Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2009, pp. 415-441.

پوشش «اقیانوس‌ها» قرار دهند، حتی با اینکه، از نقطه نظر علمی، هیچ مرز دقیقی میان اقیانوس‌ها و «جو» وجود ندارد. به همین منوال، این عبارت نیز در پاراگراف چهارم مقدمه تکلیف را روشن نمی‌کند که می‌گوید «یک نظم حقوقی برای دریاها و اقیانوس‌ها که موجب تسهیل ارتباط بین‌المللی گردیده، و به ارتقای استفاده‌ی صلح‌آمیز از دریاها و اقیانوس‌ها، بهره‌برداری منصفانه و مؤثر از منابع آن‌ها، حفاظت از منابع زنده‌ی آن‌ها و تحقیق، حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی خواهد انجامید». در نتیجه، باید گفت که به نظر می‌رسد تدوین‌کنندگان کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها توجهی به معانی و تعابیر مقولات ماهوی رژیم هوا و فضا ننموده و آن را چندان مهم و برجسته قلمداد ننموده است.

کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها حاوی شماری از مناطق مختلف همجوار قلمرو دولت ساحلی است که به درجات گوناگون، تحت صلاحیت آن دولت قرار می‌گیرند. در چارچوب رساله‌ی حاضر، محدوده‌ی هریک از این مناطق، و نیز تحدید حدودهای مقرر در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، در زمره‌ی حقوق حل‌وفصل شده مفروض گردیده‌اند. ۳ شایان ذکر است که، به جز دریای سرزمینی و فلات قاره، ۴ دولت‌ها مکلف‌اند به منظور استناد به حقوق مندرج در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، صلاحیت خود را درخصوص مناطق مزبور انشاء نموده و مورد ادعا قرار دهند. ۵ به‌دیگر سخن، صرف تصویب یا الحاق یک دولت به این کنوانسیون، به معنای اعطای هیچ حقی درخصوص این مناطق دریایی نخواهد بود. یکی از مصادیق انشای صلاحیت یک دولت نسبت به مناطق دریایی مزبور، اقدام آن دولت، به‌طور مثال از طریق صدور یک اعلامیه رسمی یا قانون‌گذاری خاص در آن زمینه (مانند تصویب قانون مناطق دریایی داخلی) است. مانند هر اقدام حقوقی کاشف از انشای یک قصد، عمل دولت در این

آن میزان قابلیت اجرا دارد، در این کنوانسیون معین نشده است، اما به نظر می‌رسد که تا مرکز زمین قابل گسترش باشد، یا دست-کم تا عمقی که منابع طبیعی را می‌توان استخراج نمود.

افزون بر این، هیچ مقرره‌ای راجع به این‌که تا چه حدی شمول کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها قابلیت تسری به فضای جو را دارد، وجود ندارد. برخی مقررات، شمول و دامنه اجرای آن را نسبت به هواپیماها و پرواز بر فراز دریا نیز تسری می‌بخشند.^۱ درعین حال، این تسری شمول کنوانسیون به نظر می‌رسد هنگامی درست و معتبر باشد که در چارچوب مفاهیم حقوقی که برای آن‌ها، اجرای این مقررات پیش‌بینی و مقرر شده‌اند، صورت پذیرند و البته باید بریک مبنای مورد به مورد تعیین گردند. شمول جغرافیایی اجرای کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها را باید، هم به‌صورت افقی، و هم به صورت عمودی تعیین و ترسیم نمود. به‌صورت عمودی، از این حیث که دولت‌ها، برحسب شمول جغرافیایی حاکمیت و صلاحیت‌شان بر دریاها در چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها محدود شده‌اند. از حیث قابلیت اجرای افقی، شمول جغرافیایی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به‌نسبت گسترده است، بدین معنی که این کنوانسیون به تعریف آب‌های داخلی (که متفاوت از آب شیرین یا خشکی است)، دریای سرزمینی، منطقه‌ی انحصاری اقتصادی، و دریاهای آزاد مبادرت می‌ورزد؛ اما از حیث قابلیت اجرای عمومی چندان شفاف نیست. همین عدم شفافیت است که به گسترش دامنه اجرایی افقی آن دامن می‌زند. در این سند بین‌المللی، مقرراتی راجع به فلات قاره و بستر دریا وجود دارند، اما به‌جز پاره‌ی اشارات به پرواز بر فراز دریا، هیچ اشاره‌ی دیگری به فضای بالای سطح آب نشده است.^۲

مقدمه‌ی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز هیچ اشاره‌ای به قابلیت اجرای این کنوانسیون به فضای هوایی بالای سطح آب ندارد. هرچند در پاراگراف سوم مقدمه تصدیق نموده است که «مسئله‌ی فضای اقیانوس‌ها به‌طور تنگاتنگی با این کنوانسیون در ارتباط است و لازم است به‌عنوان یک کل واحد بدان نگریده شود». از این عبارت موجود در مقدمه نمی‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که قصد آن می‌رفته است که هوا را نیز در کنوانسیون تحت

^۱ از آن میان، بنگرید به مواد ۳۶، ۳۸، ۴۴، ۵۳، ۵۸، ۸۷ و ۲۹۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها.

^۲ بنگرید به تفسیر بخش مقدمه کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، در جلد نخست، منبع پیشین.

^۳ برای مطالعه مبسوط پیرامون مباحث و دیدگاه‌های گوناگون در جریان مذاکرات کنفرانس‌های اول تا سوم حقوق دریاها و حتی پیش از آن به منبع زیر رجوع کنید:

- احمد متین دفتری، سیر تحول حقوق بین‌الملل دریایی: از گروسیوس تا کنفرانس‌های ژنو، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۷، صص. ۴۸ تا ۷۰، ۷۶ الی ۱۳۵ الی ۱۸۶.

همچنین: محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ بیست و سوم، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۵، صص. ۳۱۱ به بعد.

^۴ البته باید توجه داشت که دولت ساحلی، دست‌کم در مواردی که یک حد بیرونی فلات قاره را مورد ادعا قرار می‌دهد، مکلف است که عرض دریای سرزمینی و فلات قاره خود را معین نماید.

^۵ W. Michael Reisman and others, International Law in Cotemporary Perspective, New York: Foundation Press, 2004, 648-650 pp.

می‌توان آن را به مثابه‌ی حدی محسوب نمود که مورد پذیرش عام قرار گرفته است. البته همچنان دولت‌هایی را می‌توان یافت که حدی فراتر از ۱۲ مایل را برای عرض دریای سرزمینی خود مدعی هستند،^۲ اما با این حال ادعای این دولت‌ها به روشنی در تعارض با مقررات مندرج در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها است، و به‌طور گسترده‌ای مورد اعتراض سایر دولت‌ها بوده و از این‌رو، حتی به‌صورت حقوق بین‌الملل عرفی نیز در خارج از چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مورد پذیرش قرار نگرفته است.

آب‌های داخلی و دریای سرزمینی دولت ساحلی تحت حاکمیت او هستند، که این حاکمیت به بستر دریا، آب‌ها، و فضای هوایی فوق آن نیز تسری می‌یابد. تعیین محتوای دقیق این اقتدار حاکمیتی به تفسیر دولت ساحلی از حاکمیت، از طریق حقوق داخلی به‌ویژه شده است. به‌نظر می‌رسد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها اجازه‌ی تفسیر حداکثری از مفهوم حاکمیت را به دولت‌ها می‌دهد. اعمال صلاحیت توسط دولت ساحلی در دریای سرزمینی، اگرچه، منوط به حق عبور بی‌ضرر دولت‌های صاحب پرچم است، با این حال تحت شاخه‌های همین رژیم است.^۳ ماده ۲۴۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به دولت ساحلی «حق انحصاری تنظیم مقررات، اجازه و انجام تحقیقات علمی دریایی» را در دریای سرزمینی اعطا می‌نماید، و به روشنی تصریح می‌کند که «تحقیقات علمی دریایی در این منطقه تنها با رضایت صریح دولت ساحلی قابل انجام است». ماده ۲۴۵ درست همان چیزی را تصریح می‌کند که پیش‌تر در بخش دوم کنوانسیون آمده است، یعنی صلاحیت کامل دولت ساحلی بر تمامی فعالیت‌های درون دریای سرزمینی از جمله تحقیقات علمی دریایی، که تنها مشروط به رژیم عبور بی‌ضرر است.

به‌نظر می‌رسد تنها دلیل بازگویی این مقرر در بخش سیزدهم کنوانسیون این باشد که تدوین‌کنندگان این سند درصدد ترسیم یک

زمینه نیازمند یک عنصر عینی است، که این اطلاع را به جامعه جهانی بدهد که چنین قصد اعمال صلاحیتی را انشاء نموده است؛ و نیز عمل آن دولت نیازمند یک عنصر ذهنی است، که مقدم بر عنصر عینی بوده و مقتضای ذات آن است. به بیان دقیق‌تر، فعل دال بر انشای قصد دولت باید متضمن قصد وی از انجام آن فعل باشد، به‌طوری که فعل وی به عنوان عنصر عینی نباید کاشف از یک وضعیت اتفاقی و عدم اعتقاد به انجام آن باشد.

۲. رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در آب‌های داخلی

آب‌های داخلی، آب‌های چسبیده به ساحل را گویند که از سواحل تا خط مبدأ امتداد می‌یابد. به‌طور کلی، خط مبدأ، خط پایین‌ترین جزر در طول ساحل را گویند. همچنین رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، بندرگاه‌ها و خلیج‌ها تا حدی معین را آب‌های داخلی به شمار می‌آورند.^۱

جالب است بدانیم که بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها هیچ اشاره‌ای به آب‌های داخلی ننموده است. قسمت سوم از بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در باب انجام و ارتقای تحقیقات علمی دریایی، با مقرراتی راجع به دریای سرزمینی آغاز می‌شود بی‌آن‌که هیچ اشاره‌ای به آب‌های داخلی نماید، و سپس مقررات مربوط به منطقه انحصاری و اقتصادی و فرای آن را مورد اشاره قرار می‌دهد. هر پروژه تحقیقاتی که در آب‌های داخلی به انجام می‌رسد می‌تواند متضمن بخش‌های مهمی از دریاها و اقیانوس‌ها باشد، باید مطابق با آیین‌های مقرر توسط همان دولت باشد. بنابراین، انجام هرگونه تحقیقات در آب‌های داخلی، فاقد هرگونه مقررات در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهاست و این بدان معناست که دولت ساحلی در انجام تحقیقات علمی دریایی در آن از اختیار تام حاکمیتی برخوردار است.

۳. رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در دریای سرزمینی

دریای سرزمینی به عرض ۱۲ مایل دریایی از خط مبدأ یا آب‌های داخلی به سمت دریا امتداد می‌یابد. این اصلی است که توسط کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به رسمیت شناخته شده و

^۲ نمونه برخی از این دولت‌ها (تا ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۱) اکوادور (۲۰۰ مایل)، السالوادور (۲۰۰ مایل)، بنین (۲۰۰ مایل)، پرو (۲۰۰ مایل)، سومالی (۲۰۰ مایل)، و توگو (۳۰ مایل) هستند. بنگرید به:

- Table of claims to maritime jurisdiction (as at 15 July 2011).

این منبع در تارنمای ملل متحد به نشانی ذیل قابل دسترسی است:

<www.un.org/Depts/los/LEGISLATIONANDTREATIES/claims.htm>

^۳ بنگرید به تفسیر مواد ۱۷ تا ۳۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در جلد دوم منبع ذیل:

- M. H. Nordquist, Ibid. vol. II, Articles 1 to 132.

^۱ محمدرضا ضیایی بیگلری، حقوق بین‌الملل عمومی، صص. ۳۱۴ و ۳۱۵.

انحصاری اقتصادی وجود دارند. هنگامی که هر دو منطقه مورد ادعای دولت ساحلی قرار می‌گیرد، این دولت اختیار صلاحیتی را که ماده‌ی ۳۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای (در باب منطقه مجاور) بدان اعطا می‌نماید را، به همراه حقوق مقرر در بخش پنجم کنوانسیون (در باب منطقه انحصاری اقتصادی)، دارا خواهد بود. اگر چنانچه دولت ساحلی منطقه‌ی انحصاری اقتصادی را مورد ادعا قرار ندهد، حق اعمال هیچ‌گونه صلاحیتی را در مورد تحقیقات علمی دریایی در بین عرض ۱۲ تا ۲۴ مایل دریایی از خط مبدأ نخواهد داشت.

در عین حال، از آنجایی که منطقه انحصاری اقتصادی از امتیاز آزادی‌های دریای آزاد بهره‌مند است، به نظر می‌رسد که دولت ساحلی، به‌طریق اولی این امکان را دارد که نسبت به تمامی موضوعات، و تمامی عرصه جغرافیایی مقرر در بخش پنجم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای مدعی اعمال صلاحیت نباشد. این منطقه انحصاری اقتصادی «برگرفته از عرف» نیازمند آن است که به‌طور صریح و با جزئیات کامل مورد ادعا قرار گیرد و در قالب یک منطقه انحصاری اقتصادی، و نه صرف یک منطقه مجاور ثبت گردد.

۵. رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی

رژیم حقوقی منطقه انحصاری اقتصادی را باید نوآوری حاصل از جریان مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریاهای به حساب آورد. این منطقه، صلاحیت دولت ساحلی را به میزان ۳۷٪ دیگر از مجموع آب‌های اقیانوسی جهان گسترش داد.^۴ وضعیت ویژه این منطقه در این واقعیت متجلی است که در ماده ۵۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، از آن به‌عنوان منطقه‌ای منحصر به فرد با رژیم حقوقی خاص یاد شده است^۵ و در ماده ۵۹ این کنوانسیون نیز در

4 Raul (Pete) Pedrozo, Preserving Navigational Rights and Freedoms: The Rights to Conduct Military Activities in China's Exclusive Economic Zone, *Chinese Journal of International Law*, 2010, 29 p.

^۵ ماده ۵۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای چنین آمده است:

ماده ۵۵: رژیم حقوقی خاص منطقه انحصاری اقتصادی

«منطقه انحصاری اقتصادی محوطه‌ای است در آن سو و مجاور دریای سرزمینی که در آن، منوط به رعایت رژیم حقوقی خاص مقرر در این بخش از کنوانسیون، حقوق و صلاحیت‌های کشور ساحلی و حقوق و آزادی‌های سایر کشورها تابع مقررات مربوط به این کنوانسیون می‌باشند». تأکید از نگارنده این نوشتار است.

تصویر کامل و جامع از رژیم تحقیقات علمی دریایی در بخش سیزدهم کنوانسیون بوده‌اند.^۱ لازم است بدین نکته اشاره شود که اعمال حاکمیت دولت ساحلی به هیچ روی قابل مصالحه نیست. البته باید گفت که در مواد ۲۳۹، ۲۴۲ و ۲۴۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، بر همکاری بین‌المللی و تسهیل و ارتقای تحقیقات علمی دریایی توصیه شده است که به نظر می‌رسد به مثابه‌ی یک «التزام نیل به نتیجه»^۲ بر دوش دولت‌های ساحلی در زمینه‌ی انجام ترتیبات و هماهنگی‌های لازم در خصوص تحقیقات علمی دریایی به‌شمار رود.

کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، در راستای تحقق هدف اصلی آن دایر بر ایجاد یک توازن منطقی میان تمامی منافع ناشی از آن، به ویژه در چارچوب رژیم مقرر در بخش سیزدهم، این امکان را به تمامی دولت‌ها داده است که در قالب رفتار متقابل، همکاری‌های گوناگون دوجانبه و چندجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی، و مهم‌تر از همه، عوامل انگیزشی قابل توجه مقرر در خود کنوانسیون برای تمامی دولت‌ها، بتوانند در چارچوب مقررات تکمیلی (و نه امری) مقرر در کنوانسیون، تا سرحد امکان انجام این تحقیقات را تسهیل کنند. این مدعای ما مورد پشتیبانی ماده‌ی ۲۱ (بند ۱ پاراگراف (ز)) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای نیز واقع شده است که طی آن این اختیار به دولت ساحلی داده شده است که در ارتباط با عبور بی‌ضرر از دریای سرزمینی منطبق با مقررات کنوانسیون مزبور و سایر اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، در مورد تمام و یا هریک از امور احصایی ذیل بند یک این ماده، قوانین و مقررات لازم را وضع نماید. تحقیقات علمی دریایی و تحقیقات آب‌شناسی نیز از جمله همین مواردند.

۴. رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در منطقه مجاور

منطقه‌ی مجاور، منطقه‌ای است که عرض ۲۴ مایل دریایی از خط مبدأ که در آن دولت ساحلی می‌تواند به اعمال قوانین و مقررات خود در رابطه با امور گمرکی، مالی، مهاجرتی و بهداشتی مبادرت ورزد.^۳ در خصوص تحقیقات علمی دریایی، رژیم حقوقی منطقه‌ی مجاور، تابع همان مقرراتی است که در مورد منطقه‌ی

^۱ در این رابطه بنگرید به:

- A. H. A. Soons, *Marine Scientific Research and the Law of the Sea*, op.cit, p. 145.

^۲ Pactum de Contrahendo

^۳ W. Michael Reisman and others, *International Law in Cotemporary Perspective*, op. cit, pp. 673-674.

ساحلی درباره منابع «شان» هسته اصلی و محوری رژیم منطقه انحصاری اقتصادی به شمار می‌رود. صلاحیت نسبت به فعالیت‌های تحقیقاتی لازم بود که به دست دولت ساحلی داده شود بدین دلیل که یک رشد غیرقابل کنترل آگاهی علمی این احتمال و خطر را داشت که به ضرر دولت ساحلی نسبت به منابع آن دولت مورد استفاده قرار گیرد. به علاوه، از آنجایی که کوشش‌ها در جریان مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریاها برای معرفی یک حد فاصل و وجه تمایز میان تحقیقات علمی و اکتشاف ناکام ماند، چاره نماند جز این که تمامی تحقیقات باید با محدودیت مواجه می‌شدند.

ماده ۲۴۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به نظر می‌رسد «حق انحصاری تنظیم مقررات، اجازه و انجام تحقیقات علمی دریایی» را نتیجه حاکمیت دولت ساحلی محسوب می‌کند. ماده ۲۴۶ کنوانسیون حقوق پیش‌گفته را به دولت ساحلی اعطا می‌نماید و از «اعمال صلاحیت» سخن می‌راند. «انحصاری» بودن صلاحیت دولت ساحلی کمابیش در ماده ۵۶ (بند ۲) ترسیم شده است. برطبق این ماده «دولت ساحلی در اعمال صلاحیت خود مکلف به توجه مقتضی^۴ به حقوق و تکالیف سایر دولت‌هاست». در مقام اعمال حقوق حاکمیتی مانند دریای سرزمینی دولت‌های ساحلی تنها مقید به رژیم عبور بی‌ضرر هستند. اما آن‌گاه که در مقام اعمال صلاحیت برطبق مواد ۵۶ (بند ۱ پاراگراف (ب)) و ۲۴۶ (بند ۱) هستند، محدودیت‌ها و قیود دیگری هم بر آنها وارد می‌شود.

درخصوص تحقیقات علمی دریایی، این محدودیت‌ها به‌طور عمده در بند ۳ ماده ۲۴۶ لحاظ شده‌اند، که بیانگر شرایط عادی اعطای رضایت توسط دولت ساحلی به دولت تحقیق‌کننده است. البته همان‌طور که پیشتر هم اشاره کردیم شرایط مزبور در مقرر ماده ۲۴۶ (بند ۳) تکمیلی است. از این‌رو، دولت‌های ساحلی برای اعمال صلاحیت‌شان مطابق با ماده ۲۴۶ (بند ۱) مکلف به معرفی ترتیباتی هستند که «در شرایط عادی» به اعطای رضایت نسبت به درخواست‌های تحقیقات منجر شود. البته، ممکن است این استدلال مطرح شود که دولتی که مدعی منطقه‌ی انحصاری اقتصادی است، یکی از دو راه ذیل را باید برگزیند: یا تکلیف به تنظیم مقررات راجع به تحقیقات علمی دریایی (یعنی در وهله نخست، باید مقررات و آیین‌های منطبق با بند ۳ ماده ۲۴۶ را تنظیم و وضع نماید)، یا در غیر این صورت، مکلف است انجام تحقیقات علمی دریایی را در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی خود مجاز دارد.

خصوص حل و فصل اختلافات در موارد خاصی، رژیم منحصر به‌فردی برای آن تجویز شده است.^۱ ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در باب حقوق، صلاحیت و تکالیف دولت ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی، منعکس‌کننده یک تعارض مهم است. این تعارض میان منافع دسترسی حداکثری قدرت‌های دریایی بزرگ به مناطق دریایی، در مقابل منافع (اقتصادی) دولت‌های ساحلی است.^۲ حقوق حاکمیتی نسبت به منابع زنده و غیرزنده، و نیز صلاحیت انحصاری نسبت به فعالیت‌های اقتصادی، در دست دولت‌های ساحلی باقی ماند؛ این در حالی بود که سایر فعالیت‌ها باید تحت شاخه‌های حقوقی مجری در دریای آزاد قرار گیرند.^۳

به موجب ماده ۵۶ (بند ۱، پاراگراف ب، شق دوم) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، دولت ساحلی صلاحیت مربوط به تحقیقات علمی دریایی را در منطقه انحصاری اقتصادی داراست. مقررهی مندرج در این ماده را می‌توان به‌عنوان تابعی از حق حاکمیتی دولت ساحلی در اکتشاف و بهره‌برداری منابع مقرر در ماده ۵۶ (بند ۱، پاراگراف الف) قلمداد نمود؛ بدین‌معنا که نگرانی دولت‌های

^۱ ماده ۵۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها چنین است:

«در مواردی که این کنوانسیون حقوق یا صلاحیت‌هایی را به دولت ساحلی یا سایر دولت‌ها در منطقه انحصاری اقتصادی اعطا نمی‌کند و میان منافع دولت ساحلی و هر دولت یا دولت‌های دیگر اختلافی پیش آید، این اختلاف براساس انصاف و با توجه به تمام اوضاع و احوال مربوطه و با در نظر گرفتن اهمیت مناطق مربوطه طرفین و نیز منافع جامعه بین‌الملل در مجموع، حل و فصل خواهند گردید».

^۲ ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها: حقوق، صلاحیت و تکالیف دولت ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی:

۱- در منطقه انحصاری اقتصادی، کشور ساحلی:

الف) برای اکتشاف، بهره‌برداری، حفاظت و مدیریت منابع طبیعی زنده و غیرزنده آب‌های بالای بستر، روی بستر و زیر بستر دریا و درمورد سایر فعالیت‌های مربوط به اکتشاف و بهره‌برداری اقتصادی منطقه، از قبیل تولید نیرو از آب، امواج و بادهای حق حاکمیت دارد.

ب) به نحو مذکور در مقررات این کنوانسیون در ارتباط با امور زیر صلاحیت دارد:

۱- ساخت و استفاده از جزایر مصنوعی، تأسیسات و بناها؛

۲- تحقیقات علمی دریایی؛

۳- حفاظت محیط زیست دریا؛

ج) سایر حقوق و تکالیف مقرر در این کنوانسیون را دارا می‌باشد.

۲- در اعمال حقوق خود و انجام تکالیفش تحت این کنوانسیون در منطقه انحصاری اقتصادی دولت ساحلی به حقوق و تکالیف سایر دولت‌ها توجه مقتضی خواهد داشت و به نحو منطبق با مقررات این کنوانسیون رفتار خواهد کرد.

۳- حقوق مذکور در این ماده در مورد بستر و زیربستر دریا مطابق با مقررات بخش هشتم کنوانسیون اعمال خواهند شد.

^۳ Paul Kelly, Marine Science and Policy, op. cit. 440- 441 pp.

^۴ Due regard

^۵ تأکید از نگارنده این نوشتار است.

در آن ابهامات موجود در قانون باید در پرتو توازن کلی میان حقوق دولت ساحلی و آزادی‌های موجود در دریای آزاد فیصله یابد، می‌توان چنین استدلال نمود که ماده ۷۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای بر فعالیت‌های تحقیقاتی انجامی متعارض با کنوانسیون مزبور نیز قابلیت اجرا دارد. در مواردی که، به‌طور مثال، فعالیت‌های تحقیقاتی راجع به منابع زنده منطقه انحصاری اقتصادی هستند، ایجاد تفکیک میان تحقیقات علمی دریایی و اکتشاف دشوار است. در چنین مواردی دولت ساحلی می‌تواند چنین استدلال کند که آن فعالیت‌های متخلفانه، ناقض حقوق حاکمیتی آن دولت هستند، حقوقی که اجازه‌توسل به تدابیر اجرایی مقرر در ماده ۷۳ (بند ۱) را می‌دهند. هرچند، ادبیات بکارگرفته شده در ماده ۷۳ (بند ۱) برابر با همان ادبیاتی است که در ماده ۵۶ (بند ۱ پاراگراف الف) به‌کار گرفته شده است، با این حال تحقیقات علمی دریایی در همان ماده در بند ۱ پاراگراف (ب) شق دوم فهرست گردیده است.

این بدین معناست که باید یک تفکیک آشکار میان این دو دسته فعالیت ترسیم نمود. از تحقیقات علمی دریایی در ماده ۷۳ ذکر می‌شود که میان نیامده است، و از آنجایی که ماده ۷۳ اشاره به حقوق حاکمیتی دارد، بنابراین، تدابیر اجرایی نسبت به موضوعاتی که دولت ساحلی تنها حق اعمال صلاحیت بر آن‌ها را دارد، به‌طور کامل از شمول آن ماده خارج خواهند ماند. افزون بر این، ماده ۷۳ (بند ۳)، که حبس و مجازات بدنی را از عداد تدابیر اجرایی مستثنی می‌سازد، تأکید مجددی بر تمرکز بر منابع زنده‌ای دارد که تحت شمول قوانین و مقررات صید قرار می‌گیرند. تنها در مواردی که این مقررات، به‌واسطه فعالیت‌هایی که درون حیطه‌ی تحقیقات علمی دریایی قرار می‌گیرند، نقض شوند، این پرسش مطرح خواهد شد که آیا در این حالت می‌توان به تدابیر اجرایی مقرر در ماده ۷۳ (بند ۳) توسل جست یا خیر. تنها در صورتی می‌توان به این پرسش پاسخ گفت که یا فعالیت مورد نظر ناقض یکی از حقوق حاکمیتی (مقرر در ماد ۷۳) باشد، و یا باید آن را تحت یک استثناء برای تحقیقات علمی دریایی (پیرامون منابع زنده) قلمداد نمود.^۷

بنابر آنچه درباره‌ی رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی بیان شد، به‌طور خلاصه می‌توان گفت که صلاحیت نسبت به تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی، مانند صلاحیت در دریای سرزمینی، انحصاری نیست.

بر اساس مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، بدیهی است که رضایت دولت ساحلی برای انجام فعالیت‌های تحقیقات علمی دریایی و تحقیقات میدانی در منطقه انحصاری اقتصادی، به‌مانند دریای سرزمینی، آب‌های مجمع‌الجزایری، و نیز انجام فعالیت‌های تحقیقات علمی دریایی و تحقیقات میدانی در تنگه‌های بین‌المللی و مسیرهای دریای مجمع‌الجزایری ضرورت دارد. هرچند، برخی نویسندگان رضایت دولت ساحلی برای فعالیت‌های تحقیقات میدانی، از جمله تحقیقات آب‌شناسی و تحقیقات نظامی اقیانوس‌شناسی، در منطقه انحصاری اقتصادی را غیر ضروری می‌دانند.^۱ آنان این فعالیت‌ها را هم‌چنان در شمار آزادی‌های دریای آزاد به حساب می‌آورند که می‌تواند آزادانه در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی، بدون هیچ‌گونه دخالتی از ناحیه دولت ساحلی، وفق ماده ۵۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای به انجام رسانند.

البته استدلال‌ها و عملکردهایی که کاشف از دیدگاه مخالف با این نظر هستند نیز قابل مشاهده است. به‌عنوان نمونه، ماده ۹ قانون منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره جمهوری خلق چین مصوب ۱۹۹۸ در باب تحقیقات علمی دریایی حاوی مقرراتی منطبق و سازگار با کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای است.^۲ وفق ماده ۹ قانون مزبور، تحقیقات علمی دریایی توسط هر سازمان بین‌المللی، سازمان خارجی و هر فرد، در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره جمهوری خلق چین «باید موکول به اخذ تأییدیه مقامات صلاحیت‌دار» جمهوری خلق چین باشد و باید منطبق با قوانین و مقررات جمهوری خلق چین باشد.^۳ رهنمودهای خاصی نیز برای ارایه درخواست‌های اخذ تأییدیه از مقامات چینی برای تحقیقات علمی دریایی، در مقررات مربوط به مدیریت تحقیقات علمی دریایی مربوط به خارجهان^۴ تدوین گردیده است.^۵ غالب این رهنمودها هم به‌نظر می‌رسد با بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای همخوانی و سازگاری داشته باشند.

بر مبنای مفهوم منطقه انحصاری اقتصادی، و به‌ویژه این که این منطقه، «منطقه‌ای منحصر به فرد با رژیم حقوقی خاص است»^۶ که

^۱ R. Pedrozo, Preserving Navigational Rights and Freedoms, op. cit, 23 p. ^۲ چین از سال ۱۹۹۶ به عضویت کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای درآمده است.

^۳ <www.Asianlii.org/cn/legis/cen/laws/lotprocoteezats790/>

^۴ "Provisions on the Administration of foreign-Related Maritime Scientific Research"

^۵ www.Asianlii.org/cn/legis/cen/laws/potaofmsr735/.

به نقل از:

R. Pedrozo, Preserving Navigational Rights and Freedoms, op. cit, 20- 21 pp.

^۶ بنگرید به ماده ۵۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای.

^۷ بنگرید به تفسیر ماده ۷۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای در جلد دوم از منبع زیر:

M. H. Nordquist, editor, UNCLOS 1982: A Commentary, Vol. II, Articles 1 to 132, op. cit, Article 73.

فلات قاره هم گسترش می‌دهد.^۳ با این‌که بخش ششم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در باب فلات قاره، هیچ مقرره‌ای مشابه با ماده ۵۶ (بند ۱ پاراگراف ب) در خود جای نداده است، با این حال اختیار اعمال آن صلاحیت درخصوص فلات قاره را باید در وهله‌ی نخست، از مفهوم «پیش‌آمدگی طبیعی قلمرو خشکی دولت ساحلی در آب» استنباط نمود.^۴ حتی با این‌که مفهوم صلاحیت بر فلات قاره به نسبت (منطقه انحصاری اقتصادی) قدیمی‌تر است، با این حال سرحد محدوده‌ای که در آن دولت‌های ساحلی می‌توانند در فعالیت‌های دولت‌های دیگر، بر روی فلات قاره یا در رابطه با آن، مداخله نمایند، به‌طور کامل روشن نیست. ریشه‌ی این ابهام به کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو فلات قاره بازمی‌گردد، یعنی جایی که برای نخستین بار در عرصه بین‌المللی شاهد قانون‌گذاری در زمینه تحقیقات علمی دریایی هستیم. در کنوانسیون ژنو فلات قاره، بند ۸ ماده ۵ آن دربردارنده قید «تمامی تحقیقات مربوط به فلات قاره و انجامی در آن‌جا»^۵ است، که همین عبارت موجب بروز یک ابهام و دشواری اساسی، آن‌هم به‌طور عمده به‌دلیل تفاوت‌های موجود در تفسیر دولت‌ها از عبارت مزبور شده است. این عبارت را می‌توان دربرگیرنده‌ی تمامی مواردی تلقی نمود که نیازمند رضایت قبلی برای هرگونه تحقیقات دارای ارتباط با فلات، و ویژگی‌ها و منابع موجود در آن هستند، صرف‌نظر از این‌که این دسته تحقیقات به چه کیفیتی به اجرا درمی‌آیند. افزون بر این، عبارت «و انجامی در آن‌جا» را می‌توان به نحوی تفسیر نمود که به‌طور ضمنی حاکی از نوعی ارتباط فیزیکی میان اقدامات تحقیقاتی در کف دریا که موجد منطقه فلات است باشد که دست‌کم مستثنی‌کننده آن دسته از تحقیقاتی است که ناگزیر در تماس عملی مستقیم با کف دریا نیستند.^۶

مشابه همین دشواری و ابهام که در کنوانسیون ژنو فلات قاره بیان شد، در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها هم وجود دارد. به نظر می‌رسد این دشواری، ریشه در همان ابهام موجود در بند ۸ ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو فلات قاره داشته باشد. کاربرد واژه «بر

شاید بتوان آن را دارای ویژگی انحصاری از این حیث قلمداد نمود که اختیار دولت ساحلی در ایجاد قواعد مدیریت، کنترل، و اجرای قوانین و مقررات در چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در این منطقه، اختیاری انحصاری است. اما با یک مقایسه با ماده ۷۷ (بند ۲) درخواهیم یافت که صلاحیت باید به‌طور آشکار تعیین یابد؛ بدین معنی که یک پروژه‌ی تحقیقاتی را نمی‌توان به انجام رساند مگر اینکه دولت ساحلی:

الف) منطقه‌ی انحصاری اقتصادی خود را مورد ادعا و مطالبه قرار داده باشد، و

ب) قوانین و مقررات مربوط به اجرای صلاحیت موضوع ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها را که در بخش سیزدهم این کنوانسیون آمده است، مهیا نموده باشد.

به‌طور خاص، تنظیم و تعبیه یک آیین رضایت‌دهی به کیفیت مقرر در ماده ۲۴۶ (بند ۳)، پیش‌شرط اعمال قانونی و مشروع صلاحیت توسط دولت ساحلی است.^۱

۶. رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در فلات قاره

فلات قاره، در مقابل منطقه انحصاری اقتصادی که نوآوری کنفرانس سوم ملل متحد برای حقوق دریاها بود، تاریخچه‌ای طولانی‌تر دارد و به زمان اعلامیه‌ی ترومن به سال ۱۹۴۵ بازمی‌گردد.^۲ بسیاری از مقررات مندرج در بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نسبت به هر دوی این مناطق مجری هستند، بدین‌دلیل که آن‌ها، به‌طورکلی، از حیث مرزهای جغرافیایی هم‌پوشانی دارند؛ بدین معنی که منطقه انحصاری اقتصادی متشکل از آب‌های فوقانی فلات قاره است.

بند ۱ ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها صلاحیت مربوط به تحقیقات علمی دریایی را در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی، تا

^۳ بند ۱ ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها چنین است:

«۱- دولت‌های ساحلی، در اعمال صلاحیت خود، حق تنظیم، اجازه و انجام تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری و فلات قاره خود را مطابق با مقررات مربوطه این کنوانسیون دارند.»

^۴ Office for Ocean Affairs and the Law of the Sea, The Law of the Sea, Marine Scientific Research, op. cit, 3- 4 pp.

^۵ “any research concerning the continental shelf and undertaken there”

^۶ بنگرید به مباحث ذیل تفسیر ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در جلد چهارم

از منبع ذیل:

- M. H. Nordquist, op.cit, vol. IV, 501- 509 pp.

^۱ «ماده ۲۴۶ ... ۳- دولت‌های ساحلی، در شرایط و اوضاع و احوال عادی، رضایت خود برای پروژه‌های تحقیقات علمی دریایی به‌وسیله دولت‌های دیگر یا سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار در منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره آنها که مطابق با این کنوانسیون منحصراً برای اهداف صلح‌آمیز و به منظور افزایش دانش علمی محیط زیست دریا به نفع اتمام بشریت انجام می‌شوند، را اعطا می‌کنند. به این منظور دولت‌های ساحلی مقررات و ضوابطی را برای تضمین اینکه رضایت به‌طور غیرمنطقی به تأخیر نیفتد یا استنکاف نشود، وضع خواهند نمود.»

^۲ بنگرید به: محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، پیشین، ص. ۳۴۰.

که ناگزیر در عملکرد دولت‌ها تغییر ایجاد می‌کنند را، مانند هر پیشرفت و تحول دیگر، باید در تفسیر یک سند مربوطه بین‌المللی مدنظر قرار داد که البته در چارچوب عملکرد بعدی دولت‌ها در تفسیر، مورد پذیرش حقوق بین‌الملل قرار گرفته است.

اما نظر دیگری هم در این زمینه وجود دارد. ماده ۷۷ (بند ۱) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به دولت ساحلی «حقوق حاکمیتی با هدف اکتشاف فلات قاره، از جمله لبه‌ی بیرونی آن و بهره‌برداری از منابع طبیعی آن» اعطا می‌نماید. این حقوق «از این حیث انحصاری هستند که اگر دولت ساحلی مبادرت به اکتشاف فلات قاره ننماید یا منابع طبیعی موجود در آن را مورد استخراج و بهره‌برداری قرار ندهد، هیچ کس دیگر حق انجام فعالیت‌های مزبور را بدون رضایت صریح دولت ساحلی ندارد».^۳ بند ۷ ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها این امر را تضمین می‌نماید که «مقررات پاراگراف ۶ (درخصوص امتداد فلات قاره در ماورای حد ۲۰۰ مایل دریایی، که بدان فلات قاره‌ی «بیرونی»^۴ اطلاق می‌شود که در ادامه بدان اشاره خواهیم کرد) هیچ خدشه‌ای به حقوق دولت‌های ساحلی بر فلات قاره وفق ماده ۷۷ کنوانسیون وارد نخواهد ساخت».^۵

در عین حال، این حقوق تنها مربوط به اکتشاف و بهره‌برداری هستند. همان‌طور که پیشتر هم بیان شد، باید تفکیکی میان دو مقوله اکتشاف و بهره‌برداری از یک سو، و ازسوی دیگر تحقیقات علمی دریایی قایل شویم. باید دوباره یادآوری کنیم که حقوق حاکمیتی راجع به اکتشاف و بهره‌برداری، تجلی‌گر منافع دولت ساحلی در منابع فلات قاره‌اش است، و در مواردی که این منافع تحت تأثیر فعالیت‌های تحقیقاتی قرار می‌گیرند، احتمال دارد که بند ۲ ماده ۷۷ برای مستثنی نمودن چنین فعالیت‌هایی مورد استناد قرار گیرد. در چارچوب تحقیقات علمی دریایی ممکن است با یک تعارض میان ماده ۷۷ (بند ۲) و ماده ۲۴۶ (بند ۵ پاراگراف الف)، به‌ویژه درخصوص ماده ۲۴۶ (بند ۶) روبه‌رو شویم. از این حیث

^۳ بنگرید به بند ۲ ماده ۷۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها درباب حقوق کشور ساحلی بر فلات قاره به ترتیب زیر است:

«... ۲- حقوق مذکور در بند ۱ (حق حاکمیت بر اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی فلات قاره) انحصاری است، بدین معنی که اگر دولت ساحلی منابع طبیعی فلات قاره (انحصاری است، بدین معنی که اگر دولت ساحلی منابع طبیعی فلات قاره را اکتشاف یا بهره‌برداری نکند، هیچ‌کس نمی‌تواند بدون اجازه و رضایت صریح دولت ساحلی به این کار مبادرت ورزد.»

^۴ Outer Continental Shelf

^۵ A. Soons, Ibid, 216 p.

(روی)»^۱ در عبارت «تحقیقات علمی دریایی بر (روی) فلات قاره»، در بخش صدر ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، درک معنای دقیق آن را با شک و تردید روبه‌رو می‌سازد، بدین ترتیب که اگر چنانچه حرف اضافه «بر (روی)» بدین دلیل به کار گرفته شده است که دلالت بر موقعیت جغرافیایی محل انجام تحقیقات داشته باشد، این عبارت را باید به‌گونه‌ای تفسیر نمود که دلالت بر تحقیقات علمی دریایی متضمن تماس فیزیکی با کف دریا نماید. اما چنانچه حرف اضافه «بر (روی)» برعکس، بدین منظور به کار گرفته شده است که تنها دلالت بر یک موضوع مورد علاقه، به معنای «درباره»، داشته باشد، در این صورت عبارت مزبور را باید به گونه‌ای تفسیر نمود که دلالت بر تمامی تحقیقات علمی دریایی داشته باشد که مربوط به فلات قاره است.^۲

به بیان دیگر، اگر سکوی تحقیقاتی در خارج از محدوده فلات قاره مستقر باشد، ولی تحقیقات بر روی پدیده‌ی موجود در درون آن محدوده در حال انجام باشد، حتی با این‌که سکوی تحقیقاتی وارد آن محدوده هم‌جوار نمی‌شود و پروژه تحقیقاتی خود را از منطقه‌ای که انجام فعالیت‌های تحقیقاتی در آن به‌طور کامل قانونی است، به اجرا می‌گذارد، تحقیقات مزبور، بازهم این امکان را دارد که منافع تمامیتی دولت ساحلی را، که هسته‌ی مرکزی ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها را تشکیل می‌دهد، متأثر سازد. اما دشواری دیگری که در این‌جا رخ می‌نماید پاسخ به این مسئله است که آیا صلاحیت دولت ساحلی قابلیت تسری به آن سوی سطح آب دریا، یعنی به‌طور مثال آسمان بالای آن یا منطقه دریای آزاد را دارد یا خیر، و آیا این صلاحیت را می‌توان فراتر از چارچوب صریح مقرر در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها گسترش داد یا خیر.

به نظر می‌رسد پاسخ به این مسئله مثبت باشد، آن هم به سه دلیل عمده. نخست، فلات قاره، منطقه‌ای پراهمیت و خاص برای تمامی دولت‌ها قلمداد می‌شود که این اهمیت را می‌توان آشکارا با رجوع به متن مذاکرات کنفرانس نیویورک استنباط نمود. دوم، همان‌طور که پیش‌تر گفتیم منافع تمامیتی دولت ساحلی را، که هسته‌ی مرکزی ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها را تشکیل می‌دهد، و بنابراین نمی‌توان تفسیری در تضاد با مقتضای ذات آن مطرح نمود. و سوم این‌که، پیشرفت فناوری و تجهیزات تحقیقاتی

^۱ on

^۲ A. Soons, Marine Scientific Research and the Law of the Sea, op.cit, 215 p.

که ماده ۲۴۶ (بند ۵) مبنایی را برای استنفکاف از اعطای اجازه‌ی انجام تحقیقات به دولت ساحلی اعطا می‌کند و آن را در اختیار آن دولت قرار می‌دهد، درحالی‌که ماده ۷۷ (بند ۲) کلیه فعالیت‌ها را به‌طور کامل مستثنی می‌سازد. اگر ماده ۷۷ (بند ۲) را نسبت به ماده ۲۴۶ (بند ۵) برتر و اولی تلقی کنیم، در این صورت قواعد مربوط به رضایت ضمنی اجرا نخواهند شد و دسترسی به فلات قاره امکان‌پذیر نخواهد بود - نه حتی درخصوص مناطقی که دولت ساحلی برطبق ماده ۲۴۶ (بند ۶) نمی‌تواند از اعطای رضایت استنفکاف ورزد.^۱

برهمن اساس، به‌منظور پرهیز از این تعارض، باید حرف اضافه «بر» را «درباره» معنا نمود. اهمیت این موضوع تا آن‌جاست که حتی در مواردی که یک دولت ساحلی مدعی برخورداری از یک منطقه انحصاری اقتصادی نمی‌شود، باز هم مقررات راجع به تحقیقات علمی دریایی همچنان نسبت به تمامی پروژه‌های تحقیقاتی که در فلات قاره انجام می‌شوند، مجری خواهد بود. در نتیجه، با این‌که در مواردی اعمال صلاحیت و کنترل دولت ساحلی، با انجام چنین تفسیری بر فعالیت‌های تحقیقاتی علمی دریایی دشوار خواهد بود، با این حال این مانع از آن نیست که تفسیری سازگار با موضوع و هدف کنوانسیون ۱۹۸۲ و به ویژه بخش سیزدهم آن ارایه دهیم.

بحث دیگری که باید در چارچوب رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در فلات قاره جای طرح و بررسی دارد، وضعیت تحقیقات علمی دریایی در بخش لبه‌ی بیرونی فلات قاره است. بند ۶ ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها از موضوعی سخن به میان می‌آورد که در آن یک دولت ساحلی مطابق با ماده ۷۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مبادرت به ایجاد یک فلات قاره «بیرونی» نموده است. تحقیقات علمی دریایی در این بخش بیرونی فلات قاره تحت صلاحیت دولت ساحلی قرار دارد، بدین دلیل که «دولت‌های ساحلی نمی‌توانند از اختیار خود در استنفکاف از اعطای رضایت مطابق بند ۵ پاراگراف الف همین ماده (ماده ۲۴۶) درخصوص پروژه‌های تحقیقاتی علمی دریایی قابل انجام برطبق

مقررات این بخش از کنوانسیون (بخش سیزدهم) در خارج از مناطق معین‌شده‌ای استفاده کنند که در آن مناطق، دولت ساحلی می‌تواند در هر زمان به‌طور علنی اعلام کند که در آن‌ها بهره‌برداری یا عملیات اکتشافی تفصیلی درحال انجام است یا ظرف یک مدت زمان متعارفی به انجام خواهد رسید».^۳

از مقرر مندرج در ماده ۷۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها می‌توان دریافت که بند ۶ ماده ۲۴۶ روزنه‌ای را برای میل و رغبت دولت ساحلی درخصوص فعالیت‌های تحقیقاتی در خارج از محدوده ۲۰۰ مایل دریایی می‌گشاید. پیشینه این پاراگراف خاص نشان می‌دهد که دولت‌های ساحلی به‌دنبال گسترش کنترل خود بر تحقیقات علمی دریایی، به ازای آزادی دریای آزاد حتی در ماورای حد ۲۰۰ مایل دریایی بودند.^۴ مشروعیت این ادعا را می‌توان در تفسیر ویژگی‌های زمین‌شناختی به همراه مفهوم امتداد طبیعی خشکی سرزمین یافت.^۵ چنین مقررهای، این حق را به دولت ساحلی می‌دهد تا مناطق خاصی از لبه بیرونی فلات قاره‌اش را از آزادی تحقیقات علمی مستثنی سازد، آن هم مشروط بر اینکه خود در حال انجام عملیات اکتشاف یا بهره‌برداری از آن بوده یا «طرف یک مقطع زمانی متعارف» مبادرت به آغاز آن عملیات نماید.

۷. رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در دریای آزاد

نخستین نکته‌ای که در بحث راجع به تحقیقات علمی دریایی در دریای آزاد باید مورد اشاره قرار دهیم ارتباط میان تحقیقات علمی دریایی با آزادی‌های دریای آزاد است. در این رابطه، ماده ۸۷ (بند ۱) پاراگراف (و)) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها تحقیقات علمی دریایی را جزئی از آزادی‌های دریای آزاد به‌شمار می‌آورد. درعین حال، این آزادی با این شرط همراه شده است که باید «مطابق و با رعایت بخش‌های ششم و سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها باشد و نیز محدودیت‌های ذاتی وارد بر تمامی آزادی‌ها به‌طور کلی در آن رعایت شود؛ به‌ویژه قاعده لاضرر بدین معنا که اعمال یک آزادی، چارچوب مرزهای خود را در اعمال همان آزادی، یا سایر آزادی‌های دولت‌های دیگر خواهد یافت. همچنین

^۱ ازجمله این مناطق، مناطقی هستند که در آن سوی محدوده ۲۰۰ مایل دریایی و خارج آن مناطق قرار دارند «که دولت ساحلی می‌تواند در همه حال از طریق اعلان عمومی اعلام کند که در آن‌ها بهره‌برداری یا عملیات اکتشافی تفصیلی متمرکز در حال انجام است یا ظرف مدت زمان متعارفی به انجام خواهد رسید» بنگرید به بند ۶ ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها.

^۳ بنگرید به بند ۶ ماده ۲۴۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها.

^۴ بنگرید به تفسیر ماده ۲۴۶ (به‌ویژه بند ۶ آن) در جلد چهارم از منبع ذیل:

- M. H. Nordquist, op.cit, vol. IV, 515- 517 pp.

^۵ بنگرید به تفسیر ماده ۷۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به ویژه مفهوم‌شناسی این

ماده در جلد دوم منبع پیشین، صص ۸۴۴ تا ۸۸۳.

^۲ On

تداخل میان حقوق دولت ساحلی درخصوص کف دریا، و حقوق دولت تحقیق‌کننده برطبق رژیم دریای آزاد وجود دارد. نمونه احتمالی دیگر در مواردی رخ می‌دهد که دولت ساحلی دارای یک فلات قاره است، که با منطقه انحصاری اقتصادی‌اش تناسب و انطباق ندارند.

مهم‌ترین مقررات محدودکننده‌ی بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای تنها در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی قابلیت اجرا دارند، در نتیجه، رژیم دریای آزاد در مواردی قابل اجراست که دولت ساحلی صلاحیتش را تا حد ۲۰۰ مایل دریایی از خط مبدأ، از طریق بیانیه‌ی رسمی مربوط به منطقه انحصاری اقتصادی یا هرگونه بیانیه‌ی دیگر متضمن صلاحیتش، گسترش نداده است.^۳

ماده ۲۵۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، به‌ویژه راجع به تحقیقات علمی دریایی در آب‌های خارج از صلاحیت ملی، دربردارنده یک شرط بارز و شایان توجه است، و آن این‌که، ارجاع به ماده ۲۴۶ (بند ۶) و (بند ۷) است؛ بدین ترتیب که دولت‌های تحقیق‌کننده مکلف به رعایت حدود خارجی فلات قاره هستند، بدین دلیل که ماده ۲۴۶ (بند ۶) به دولت ساحلی این حق را اعطا می‌کند تا بتواند با اعمال رژیم رضایت‌دهی قبلی، حق خود را در چنین مناطقی که پیش از این خود را مهیای اکتشاف و بهره‌برداری از آن مناطق نموده است را حفظ نماید.^۴

از همه مهم‌تر این‌که، نه بخش هفتم و نه بخش سیزدهم (قسمت ۴) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، دربردارنده‌ی ممنوعیت استقرار تأسیسات یا تجهیزات نیستند. دولت‌های تحقیق‌کننده، از همین‌رو تنها زمانی می‌توانند از این ابزارها بهره بگیرند که در دریای آزاد هستند. بخش سیزدهم، قسمت ۴ شماری از محدودیت‌ها را مقرر می‌دارد که اعمال می‌شوند، در عین حال آن‌ها منجر به تهدید جدی آزادی تحقیقات علمی دریایی با تأسیسات یا تجهیزات نمی‌شوند. جدی‌ترین آن، به نظر می‌رسد، بازهم در محدودیت ذاتی آزادی‌های دریای آزاد متجلی است، که همانا التزامات به عدم تداخل با مسیرهای کشتیرانی است. افزون بر این، در دریای آزاد، دولت‌های ساحلی، مانند تمامی دولت‌ها، صلاحیت‌های محدود و مندرج در ماده ۱۱۰ را دارا هستند، که هیچ‌کدام از آنها به خودی خود نه تحقیقات علمی دریایی را

حق انجام چنین تحقیقاتی از طریق مقررات مربوط به حفاظت و حمایت از محیط زیست، و سایر اسناد متعاقب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای نیز محدود شده است، زیرا در این کنوانسیون آمده است که تحقیقات باید «منطبق با این کنوانسیون» به انجام رسند.

ه‌طور کلی، برخی نویسندگان، محدودیت‌های مهم وارد بر آزادی انجام تحقیقات علمی در دریای آزاد را به ترتیب ذیل فهرست می‌کند:

- ۱) حقوق دولت‌های ساحلی نسبت به فلات قاره‌شان،
- ۲) اصول عام انجام تحقیقات علمی دریایی (مقرر در ماده ۲۴۰ کنوانسیون)، و
- ۳) مقررات مربوط به تأسیسات و تجهیزات علمی (مقرر در مواد ۲۵۸ الی ۲۶۲ کنوانسیون).^۱

ارجاع و استناد به بخش ششم در ماده ۸۷ (بند ۱ پاراگراف (و)) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای دارای اهمیت مستقیم برای انجام تحقیقات علمی دریایی تنها در مواردی است که یک دولت ساحلی، بر طبق ماده ۷۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، به‌طور موفقیت‌آمیز^۲ منطقه ماورای ۲۰۰ مایل دریایی فلات قاره را مورد ادعا قرار داده است. تنها در این منطقه است که امکان پیدایش

^۱ A. H. A. Soons, *Marine Scientific Research and Law of the Sea*, 224 p.

^۲ براساس ماده ۷۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، ایجاد یک منطقه ماورای ۲۰۰ مایل دریایی فلات قاره نیازمند طی یک سلسله فرایند جامع است؛ بدین ترتیب که دولت تقاضاکننده باید ادعای خود را نزد کمیسیون حدود فلات قاره (Commission on the Limits of the Continental Shelf) مطرح سازد. (بنگرید به پیوست دوم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای). نکته مهم در اینجا آن است که مهیاسازی شرایط مربوط به این درخواست توسط دولت ساحلی در پاره‌ای از اوقات بس دشوار است. به‌عنوان نمونه فراهم نمودن اطلاعات علمی مورد نیاز (برطبق رهنمودهای علمی و فنی کمیسیون حدود فلات قاره مصوب ۱۳ مه ۱۹۹۹) برای طرح درخواست و ارایه به پیوست آن، مقوله‌ای است که تنها کشورهای معدودی وجود دارند که امکانات و فناوری مورد نیاز برای تدارک چنین اطلاعاتی را دارند. برطبق محتویات تارنمای کمیسیون حدود فلات قاره، تا ژوئن ۲۰۰۳، تنها فدراسیون روسیه چنین درخواستی را تسلیم نموده است. در این رابطه بنگرید به:

- F. Wegelein, *Marine Scientific Research*, op. cit., 206 p.

ماده ۴ پیوست دوم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای در این رابطه چنین اشعار می‌دارد: «در مواردی که یک دولت ساحلی مترصد گسترش حدود بیرونی فلات قاره‌اش به آن سوی ۲۰۰ مایل دریایی، برطبق ماده ۷۶ (کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای)، است، آن دولت باید جزئیات مختصات این حدود را، به همراه داده‌های مثبتی علمی و فنی آن، هرچه سریع‌تر و در هر حال حداکثر ظرف ده سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون (۱۹۸۲ حقوق دریاهای) نسبت به آن دولت، به کمیسیون تسلیم دارد. دولت ساحلی مکلف است که همزمان اسامی تمام آن اعضای کمیسیون که مشاوره و توصیه‌های علمی و فنی به آن دولت داده‌اند را معرفی نماید.»

^۳ F. Wegelein, *Marine Scientific Research*, op.cit., 206-207 pp.

^۴ بنگرید به تفسیر ماده ۲۵۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای در جلد چهارم از منبع ذیل:

- M. H. Nordquist, op.cit., vol. IV, 608-611 pp.

اکتشاف، و بهره‌برداری، منابع است»^۴. درست است که ماده ۱۳۶ سخن از «منطقه» و «منابع» به‌عنوان دو مقوله مجزا به میان آورده است که میراث مشترک بشریت قلمداد می‌شوند، ماده ۱۵۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مشخص می‌سازد که اصول حاکم بر «منطقه»، به طریق اولی به منابع هم مربوط اند، و به‌ویژه به منابع غیرزنده‌ی آن.^۵

تنها فعالیت دیگری که به صراحت در بخش یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مورد اشاره قرار گرفته است، و الزاماً ارتباطی به منابع ندارد، تحقیقات علمی دریایی در ماده ۱۴۳ است. این پرسش مطرح است که آیا ماده ۱۴۳، در پرتو بخش یازدهم، نسبت

^۴ J. Jiancai, Resources of the Area and Deep Seabed: Types, Distribution and the Role of Marine Scientific Research in Their Discovery, COMRA Seminar, Kingston, Jamaica, March 2011, 1-2 pp.

^۵ ماده ۱۵۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در باب «سیاست‌های مربوط به فعالیت‌های انجامی در منطقه» چنین است:

«فعالیت‌ها در منطقه، به نحوی که مشخصاً در این قسمت مقرر شده، به طرز انجام خواهند شد که توسعه سالم اقتصاد جهانی و رشد متعادل تجارت بین‌المللی را ترویج کنند، و همکاری‌های بین‌المللی را برای توسعه همه‌جانبه همه کشورهای، به خصوص کشورهای در حال توسعه، متحول نمایند، و با این نظر موارد زیر را تضمین می‌نمایند:

الف) توسعه منابع منطقه

ب) مدیریت منظم، سالم و منطقی منابع منطقه، شامل انجام مؤثر فعالیت‌ها در منطقه، در انطباق با اصل صحیح حفاظت و پرهیز از اتلاف غیرضروری منابع.

ج) افزایش فرصت‌های مشارکت در اینگونه فعالیت‌ها به‌خصوص در انطباق با مواد ۱۴۴ و ۱۴۸.

د) مشارکت «مقام» در درآمدها و انتقال فناوری به شرکت کارگزار و کشورهای در حال توسعه به نحو مقرر در این کنوانسیون.

ه) افزایش قابلیت دسترسی به مواد معدنی به‌دست آمده از منطقه به اندازه مورد نیاز نسبت به مواد معدنی حاصل از سایر منابع، و تضمین عرضه این مواد معدنی به مشتریان.

و) ترویج قیمت‌های پایدار و عادلانه سودآور برای تولیدکنندگان و مناسب برای مصرف‌کنندگان مواد معدنی به‌دست آمده از منطقه و سایر منابع، و ترویج تعادل بلندمدت بین عرضه و تقاضا.

ز) افزایش فرصت‌ها برای تمام کشورهای عضو، بدون توجه به سامانه‌های اقتصادی و اجتماعی یا موقعیت جغرافیایی آنها، برای مشارکت در توسعه منابع منطقه و جلوگیری از انحصاری کردن فعالیت‌ها در منطقه.

ح) حفظ کشورهای در حال توسعه از آثار منفی کاهش قیمت ماده معدنی مربوطه بر اقتصاد و درآمد صادراتی آنها، یا بر حجم صادرات آن ماده معدنی، تا آنجا که این کاهش از فعالیت‌ها در منطقه، به نحو مقرر در ماده ۱۵۱، ناشی شده است.

ط) توسعه میراث مشترک به نفع تمام بشریت، و

ی) اینکه شرایط دستیابی به بازارها برای واردات مواد معدنی تولید شده از منابع منطقه و برای واردات کالاهای تولید شده از این مواد معدنی، از مطلوب‌ترین شرایط اعمال شده بر واردات از سایر منابع، مطلوب‌تر نخواهند بود.»

درب‌گرفته و نه آن را مستثنی می‌سازند. اختیار اجرای قوانین و مقررات برطبق ماده ۱۱۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها ناشی از کیفیت همین صلاحیت‌های مقرر در این ماده است، که موجد موارد مربوط به صلاحیت است. در تمامی سایر موارد، به جز موارد احصاء شده در ماده ۱۱۰، صلاحیت نسبت به انجام تحقیقات علمی دریایی به‌طور کامل در اختیار دولت تحقیق‌کننده یا به بیان دیگر، دولت صاحب پرچم است. بر این اساس، دولت تحقیق‌کننده یا صاحب پرچم در راستای اعمال این اختیار، مکلف به اتخاذ تدابیر و ترتیبات مقتضی برای تضمین پابندی و رعایت مقررات مربوطه بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها توسط اتباع خود است.^۱

آن‌چنان که می‌توان ملاحظه کرد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، و به‌طور خاص بخش سیزدهم این سند بین‌المللی به‌گونه‌ای ساخته و پرداخته شده است که تمامی جوانب موضوع را در قالبی متوازن از حیث منفعت‌محور بودن در نظر گرفته و در نهایت، در باب تحقیقات علمی دریایی رژیم ارایه داده است که تمامی دولت‌ها از طیف‌های گوناگون، امکان بهره‌مندی از آن را (بر خلاف گذشته) پیدا کنند.

۸. رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در منطقه

کف دریای آن سوی فلات قاره تحت صلاحیت ملی، تحت عنوان «منطقه»^۲ تعریف شده است.^۳ «منطقه» تابع یک رژیم خاص است که در بخش یازدهم کنوانسیون و موافقتنامه اجرایی آن لحاظ شده است. برطبق ماده ۱۳۳ (بند الف) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، بخش یازدهم این کنوانسیون مربوط است به «همه منابع معدنی جامد، مایع یا گازی در همان مکان اصلی وقوع خود در بستر یا زیر بستر دریای منطقه شامل کلوخه‌های پلی‌متالیک»، که ماده ۱۳۶ کنوانسیون، آن‌ها را «میراث مشترک بشریت» به‌شمار می‌آورد. ماده ۱۳۴ (بند ۲) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به‌طور کلی دامنه‌ی اجرایی بخش یازدهم کنوانسیون را نسبت به فعالیت‌های انجامی در «منطقه» نیز تسری می‌دهد، که برطبق ماده ۱ (بند ۱ پاراگراف ۳) کنوانسیون به‌معنای «تمامی فعالیت‌های

^۱ پیشین، همان صفحات.

^۲ "Area"

^۳ بنگرید به ماده ۱ (بند ۱ پاراگراف ۱) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها.

نخست (بستر دریا و کف دریا و زیربستر آن)، ماده ۱۴۳ این امکان را به دولت‌های عضو می‌دهد که مبادرت به انجام تحقیقات علمی دریایی به این شرط نمایند که التزاماتی مانند التزام به ارتقای همکاری بین‌المللی از طریق مشارکت در برنامه‌های بین‌المللی، التزام به حمایت از کشورهای در حال توسعه در کوشش‌هایشان، و التزام به نشر نتایج تحقیقات، را رعایت نمایند. ماهیت این التزامات هم به نظر نمی‌رسد تفاوت اساسی با التزامات مندرج در بخش سیزدهم کنوانسیون داشته باشند.^۵

ماده ۱۴۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای حق انجام تحقیقات اقیانوس‌شناسی را در «منطقه» برای «اهداف صلح‌آمیز و برای نفع همگانی بشریت» اعطا می‌کند. ماده مزبور، از طریق ارجاع به بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای و به‌ویژه ماده ۲۵۶ آن راجع به فعالیت‌های تحقیقاتی در «منطقه»، آن مقررات را در این حوزه لازم‌الاجرا می‌داند. دولت‌های عضو، به همراه سازمان‌های بین‌المللی - که مقام بین‌المللی اعماق دریا نیز یکی از آنهاست - می‌توانند مبادرت به انجام پروژه‌های تحقیقاتی در رابطه با «منطقه» و منابع آن نمایند. افزون بر این، بند ۲ ماده ۱۴۳ این التزام را بر دوش مقام بین‌المللی اعماق دریا می‌نهد که به ارتقا و تشویق انجام تحقیقات و هماهنگ‌سازی و اشاعه نتایج و واکاوی‌های آن تحقیقات اهتمام ورزد. در مورد سازمان‌های بین‌المللی این التزام ناشی از مواد ۲۳۹ و ۲۴۴ (بند ۱) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای است که به نظر می‌رسد دقیق‌تر و با جزئیات بیشتری باشد. در عین حال، تا آن حدی که مقام را می‌توان یک سازمان صلاحیت‌دار برای تصدیق تحقیقات علمی دریایی قلمداد نمود، مقررات بخش سیزدهم هم به‌طور یکسان قابل اجرا هستند؛ از همین رو، در مواردی که مقام بین‌المللی اعماق دریا وارد عمل می‌شود و درگیر تحقیقات علمی می‌شود، بند ۲ ماده ۱۴۳ کنار گذاشته می‌شود.^۶

ارتباط میان مقررات «منطقه» و آزادی‌های مربوط به دریای آزاد به‌طور کامل در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای با یکدیگر مشخص نگردیده است. به‌طور مثال، در مواردی که تحقیقات علمی دریایی فقط در آب‌های فوقانی بستر دریا به انجام می‌رسند اما با فعالیت‌های اکتشافی و بهره‌برداری در «منطقه» تداخل ایجاد می‌کنند، تعارض و تداخلی حادث می‌شود که باید، یا از طریق

به تمامی تحقیقات علمی دریایی انجامی در «منطقه»، یعنی تحقیقات علمی دریایی راجع به بستر دریا و زیربستر دریا، مُجری است، یا اینکه تنها نسبت به آن دسته از فعالیت‌هایی که به‌طور مستقیم با منابع سروکار دارند اجرا می‌شود.^۱

مشکل درست مشابه با همان مشکلی است که در مورد فلات-قاره با آن روبه‌رو بودیم، در عین حال به‌نظر می‌رسد که پاسخ در اینجا متفاوت باشد؛ بدین ترتیب که ماده ۲۵۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای این حق را به تمامی دولت‌ها می‌دهد که «به انجام تحقیقات علمی دریایی در آب‌های فوقانی بستر آن‌سوی محدوده‌های منطقه‌ی انحصاری اقتصادی مبادرت ورزند». هرچند، اعمال این حق مشروط به رعایت مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، و البته در این‌جا، بخش یازدهم آن کنوانسیون است.^۲ افزون بر این، ماده ۲۵۷ تنها سخن از حقانجام (تحقیقات علمی دریایی) به میان می‌آورد و صحبتی از آزادی (انجام این تحقیقات) به میان نمی‌آورد که در ماده ۸۷ کنوانسیون از آن صحبت شده است و دست‌کم نسبت به آب‌های فوقانی «منطقه» قابلیت اجرا دارد. حق انجام تحقیقات علمی دریایی الزاماً اعمال شرایط آن فعل را مستثنی نمی‌سازد و آن شرایط باید رعایت و محقق شوند؛ منظور از این شرایط به‌طور مثال، لزوم اخذ رضایت قبلی، یا محدودیت‌های وارد بر انجام فعالیت‌های متفاوت متداخل در یکدیگر هستند، و این شرایط تا مادامی که آن حق، در اصل، مورد حفاظت مقررات کنوانسیون است، لازم‌الرعایه هستند. در مقابل، یک آزادی، به‌نظر می‌رسد دلالت بر اعمال فعالیت بدون هیچ‌گونه محدودیتی دارد که تنها محدودیت وارد بر آن، قاعده فقهی لاضرر یا به بیان ساده‌تر، محدودیت ذاتی عدم خدشه به آزادی‌های دیگران است.

ماده ۱۴۳ (بند ۳) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای در خارج از منطقه‌ی انحصاری اقتصادی این امر را ضروری دانسته است که میان تحقیقات علمی که مربوط به «بستر دریا و کف دریا و زیربستر آن»^۳ مانند جانداران غیرمتحرک^۴ هستند، و تحقیقات مربوط به آب‌های فوقانی آن، باید قایل به تفکیک شد. تنها در خصوص تحقیقات نوع دوم (آب‌های فوقانی بستر دریا)، دکتربین آزادی دریای آزاد به اجرا درمی‌آید. در خصوص تحقیقات نوع

^۱ M. W. Lodge, "International Seabed Authority's Regulations on Prospecting and Exploration for Polymetallic Nodules in the Area", *Journal of Energy and Natural Resources Law*, No. 20(3), 2002, 271- 272 pp.

^۲ J. Jiancai, *Resources of the Area and Deep Seabed: Types, Distribution and the Role of Marine Scientific Research in Their Discovery*, *Ibid*.

^۳ بنگرید به ماده ۱ (بند ۱) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای در باب تعریف «منطقه».

^۴ Sedentary Species

^۵ بنگرید به تفسیر ماده ۱۴۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای در جلد سوم از منبع ذیل:

- M. H. Nordquist, *op. cit.*, vol. III, Articles 133 to 191.

^۶ بنگرید به:

- International Seabed Authority, *Report of the Secretary-General*, ISBA/10/A/3, Kingston, 2004, 3 p.

صریح دولت ساحلی همراه باشد. تمامی دولت‌ها از حق عبور بی-ضرر از دریایی سرزمینی برخوردارند. هرچند، انجام تحقیقات یا فعالیت‌های تحقیقات میدانی در هنگام عبور موجب برهم زدن نظم عمومی و نقض امنیت دولت ساحلی قلمداد خواهد شد.

در مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره، انجام تحقیقات علمی دریایی مشروط به یک رژیم رضایت کامل است که در اساس، میان دو دسته از تحقیقات تفکیک قایل می‌شود؛ یکی مشروط به اختیار تام دولت ساحلی در اعطا یا عدم اعطای رضایت، و دیگری مشروط به رژیمی آزادانه‌تر که در آن دولت ساحلی باید در شرایط عادی رضایت دهد. دسته‌ی نخست مشتمل بر تحقیقاتی است که دارای اهمیت مستقیم برای اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی زنده و غیرزنده است؛ تحقیقاتی که مستلزم حفاری در فلات قاره است، کاربرد مواد منفجره یا استفاده از مواد زیان‌بار برای محیط زیست دریا؛ و تحقیقات دربردارنده ساخت، اجرا یا استفاده از جزایر، تأسیسات یا سازه‌های مصنوعی.

دسته دوم مشتمل بر تمامی دیگر تحقیقات علمی دریایی است که بر طبق بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها «تنها برای اهداف صلح‌آمیز و به منظور ارتقای دانش علمی محیط زیست دریایی به نفع تمام بشریت» به اجرا درمی‌آید. به‌طور خلاصه، انجام تحقیقات علمی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره تحت همان مواد مندرج در بخش سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها تنظیم شده‌اند. دولت‌های ساحلی صلاحیت تنظیم، اجازه و انجام تحقیقات علمی دریایی را در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره‌شان بر طبق مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در اختیار دارند. تحقیقات علمی دریایی در آن مناطق تنها با رضایت دولت ساحلی قابل انجام است. هرچند، رضایت دولت ساحلی نباید در اوضاع و احوال عادی بی‌دلیل به تأخیر افتاده یا دولت ساحلی از دادن آن خودداری ورزد، در حالی که پروژه تحقیقاتی علمی دریایی درخواست کننده، مطابق با مفاد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، تنها برای اهداف صلح‌آمیز و با نیت بالا بردن آگاهی علمی از محیط‌زیست دریایی به نفع بشریت قرار است به انجام رسد. تحقیقات علمی دریایی در آب‌های فوقانی بستر دریای آزاد (یعنی در آن سوی ۲۰۰ مایل دریایی) تحت لوای اصل آزادی‌های دریاها باقی ماند. وضعیت تحقیقات علمی دریایی در منطقه‌ی بین‌المللی بستر آن سوی فلات قاره نیز به‌همین منوال است.

توسل به رژیم «منطقه» و یا توسل به رژیم دریای آزاد مرتفع گردد.^۱ بند ۳ ماده ۱۵۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها بیان‌گر آن است که مقام می‌تواند به تحدید تحقیقات علمی در صورتی مبادرت ورزد که تحقیقات مزبور فعالیت‌هایی که پیش از این توسط مقام مجاز اعلام شده‌اند را متأثر و مختل سازد. بر همین اساس، ماده ۱۳۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها حاکی از عملکرد عمومی دولت‌ها در «منطقه» است، که تمامی فعالیت‌ها را به مقررۀ خاص خود در بخش یازدهم کنوانسیون، منشور ملل متحد، و به‌طورکلی حقوق بین‌الملل پیوند می‌دهد، با تأکید بر اینکه منفعت حفظ صلح و امنیت و ارتقای همکاری بین‌المللی را در اولویت قرار می‌دهد. درست است که این یک رهنمود کلی برای عملکرد دولت‌های درگیر در کاربردهای متداخل است، با این حال هیچ استاندارد روشنی را که از طریق آن دولت‌ها بتوانند یک تداخل و تعارض را در عمل مرتفع سازند، تجویز نمی‌کند.

افزون بر این، ماده ۱۳۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مانند مقررات متعاقب آن دلالت بر فعالیت‌های انجامی در «منطقه» دارد. این بدین معنا است که آثار فعالیت‌های انجامی در «منطقه» محدود به این منطقه نیستند. در حقیقت، هیچ فعالیتی در «منطقه» را نمی‌توان تصور کرد که آثار آن فقط همان منطقه را متأثر ساخته و مناطق دیگر را تحت تأثیر قرار ندهد. به دیگر سخن، تمامی تجهیزات مورد استفاده برای تحقیقات علمی دریایی در منطقه، ناگزیر باید از آب‌های فوقانی آن عبور داده شوند و همچنین غالب فعالیت‌های انجامی در منطقه، از خارج از این منطقه هدایت یا کنترل می‌شوند که به‌طور معمول در آب‌های فوقانی «منطقه» قرار دارند.

۹. نتیجه‌گیری

از آنچه در این نوشتار آمد می‌توان چنین جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نمود که در آب‌های داخلی، آب‌های مجمع‌الجزایری و دریای سرزمینی، دولت ساحلی دارای کنترل تام بر تمامی تحقیقات علمی دریایی است؛ یعنی تحقیقات لاجرم باید با رضایت آشکار و تحت شرایط مقرر توسط دولت ساحلی به اجرا درآیند. به دیگر سخن، تحقیقات علمی دریایی در آب‌های داخلی، آب‌های مجمع‌الجزایری و دریای سرزمینی تنها هنگامی امکان دارد که با رضایت

^۱ L. Glowka, The deepest of ironies: genetics resources, marine scientific research, and the area, Ocean yearbook, vol. 12, 1996, 160-164 pp.

- Nations Convention on the Law of the Sea United Nations. United Nations, Office for Ocean Affairs and the Law of the Sea, 1991.
- Pedrozo, R., 2010. Preserving Navigational Rights and Freedoms: The Rights to Conduct Military Activities in China's Exclusive Economic Zone, *Chinese Journal of International Law*, 29 p.
- Plesmann, W.; Röben, V., 1990. Marine Scientific Research: State Practice Versus Law of the Sea?, In RudigarWolfman, editor, *Law of the Sea at the Crossroads: The Continuing Search for a Universally Accepted Regime*, Berlin, 379 p.
- Reisman, W. M. et. al., 2004. *International Law in Cotemporary Perspective*, New York: Foundation Press, 648-650 pp.
- Soons, A. H. A., 1977. The international legal regime marine scientific research, *Netherlands international law review*, 24: 140- 151 pp.
- Soons, A. H. A., 2007. The Legal Regime of Marine Scientific Research: Current Issues, In M. H. Nordquist and others, editors, *Law, Science and Ocean Management*, Martinus Nijhoff, 139- 166 pp.
- Vallarta, Jose Louis., 1983. Protection and Preservation of the Marine Environment and Marine Scientific Research at the Third United Nations Conference on the Law of the Sea, *Law and Contemporary Problems*, vol. 2, *The Law of The Sea: Where Now?*, 147-154 pp., at 153 p.
- Villiger, M. E., 2009. *Commentary on the 1969 Vienna Convention on the Law of Treaties*, Leidan: Martinus Nijhoff Publishers, 415-441 pp.
- Wegelein, F. H. Th., 2005. Marine scientific research: the operation and status of research vessels and other platforms in international law, *Martinus Nijhoff*, 32- 61 pp.
- ضیایی بیگدلی، م.ر.، ۱۳۸۵. حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ بیست و سوم، تهران: گنج دانش، ۳۴۹ و ۳۵۰ صص.
- Glowka, L., 1996. The deepest of ironies: genetics resources, marine scientific research, and the area, *Ocean yearbook*, 12:160- 164 pp.
- Gorina-Ysern, M., 2003. *An International Regime for Marine Scientific Research*, Martinus Nijhoff Publishers.
- Knauss, J. A., Katsouros, M. H., 1988. Recent Experience of the United States in Conducting Marine Scientific Research in Coastal State Exclusive Economic Zones, in T. A. Clingan, editor, *What lies ahead?*, Honolulu, Hawaii, 297-309 pp.
- Lodge, M. W., 2002. International Seabed Authority's Regulations on Prospecting and Exploration for Polymetallic Nodules in the Area, *Journal of Energy and Natural Resources Law*, 20(3).
- Long, R., 2007. Marine Science Capacity Building and Technology Transfer: Rights and Duties Go Hand in Hand Under the 1982 UNCLOS, in M. H. Nordquist and Others, editors, *Law, Science and Ocean Management*, Martinus Nijhoff, 299-311 pp., at 299- 300 pp.
- Momtaz, D., 1993. "Iranian Practice", in Andréa de Gutty and Natalino Ronzitti, editors, *The Iran-Iraq War (1980-1988) and the Law of Naval Warfare*, Cambridge, Grotius Publications limited.
- Nordquist, M.H. et al., 2002. editors, *United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982: A Commentary, Volumes I-V*, Dordrecht, 430- 461 pp.
- Office for Ocean Affairs and the Law of the Sea, *The law of the sea: marine scientific research: a guide to the implementation of the relevant provisions of the United*